

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFECase No. 494Date of filing: 16 Mar 90

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION ^{and} of D O al Mr Drawer

- Date 23 Jan 90
_____ pages in English 24 pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

AWARD

Case No. 494

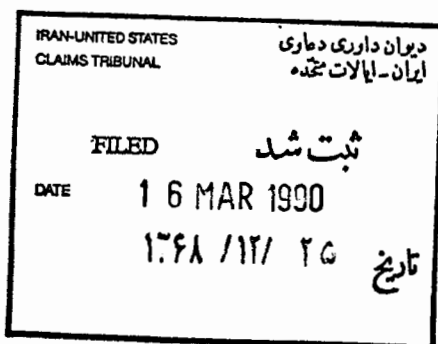
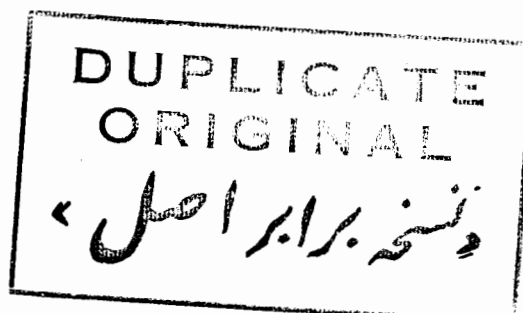
Chamber Three

پرونده شماره ۴۹۴

شعبه سه

حکم شماره ۴۶۴-۴۹۴-۳

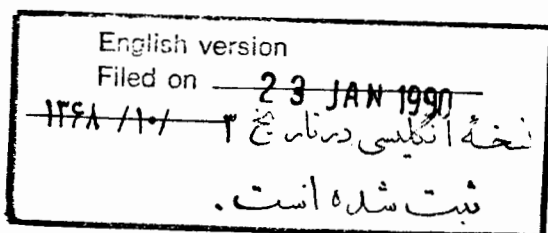
دیوان داری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

اینترنشنال سیستمز اند کنترولز کورپوریشن ،
خواهان ،

- و -

شرکت ملی گاز ایران ،
شرکت ملی نفت ایران ، و
جمهوری اسلامی ایران ،

خواندگان.



نظر موافق و مخالف قاضی چارلز ان. براونر

یک

۱ - من با نتیجه‌گیری دیوان مخالفم که خوانده، شرکت ملی گاز ایران ("شرکت گاز")، تعهد خود را در "پیگیری احداث پروژه شرکت (گاز طبیعی مایع کنگان)" طبق الزام قرارداد بازپرداخت مورخ سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] که خواهان، اینترنشنال سیستمز اند کنترلز کورپوریشن ("آی اس سی")، طرف آن بود "باحسن نیت ایفاء کرده است". به نظر من سوابق پرونده حاضر به روشنی نشان می‌دهد که رد برخی از شروط پیشنهادی شرکت کالینگاز ژاپن برای تامین سرمایه از ناحیه شرکت گاز در ۱۹۷۹، یعنی قریب یکسال و نیم بعد، به منزله تغییر موضع کامل، و بنابراین صرفاً "بهانه‌ای برای امتناع آگاهانه از پیگیری پروژه کالینگاز بوده است (۱)".

۲ - سه دسته مدرک موید این نظرند. اولاً مناسبات و تحولات بین شرکت کنندگان پروژه کالینگاز نسبت به پیشنهاد کالینگاز ژاپن (۲) و تأمین سرمایه آن روشن می‌کند که شرکت گاز از تاریخ امضای قرارداد بازپرداخت یعنی تقریباً یکسال و نیم قبل از اعتراض به شروط آن در سپتامبر ۱۹۷۹، با آن شروط مخالفتی نداشت. بدینترتیب در هنگام تنظیم قرارداد بازپرداخت، هر دو طرف یعنی شرکت گاز و آی اس سی "پروژه کالینگاز" را شامل چنین شروطی می‌دانستند.

(۱) من با نظر دیوان موافقم که شرکت گاز با عدم پرداخت سهم نسبی خواهان از عواید فروش وسایل حفاری به شرکت ملی نفت ایران، تعهد خود به موجب ماده ۲ قرارداد بازپرداخت را نقض نموده و در نتیجه باید مبلغ ۱۷۲،۳۰۲/۲۳ دلار آمریکا به علاوه بهره قراردادی آن از دهم شهریور ۱۳۵۷ [اول سپتامبر ۱۹۷۸] به خواهان بپردازد.

(۲) در حکم، پروژه پیشنهادی کالینگاز، "پروژه پیشنهادی کالینگاز ژاپن" نامیده شده است.

۳ - ثانياً تغییر سیاست ایران بعد از انقلاب درباره منابع طبیعی خود دال بر این است که شرکت گاز به دلایلی غیر از آنچه ذکر کرده بود (یعنی مخالفت با شروط تامین سرمایه)، از پیگیری پروژه کالینگاز ژاپن امتناع کرد.

۴ - بالاخره، نقض آشکار و غیر موجه ماده ۲ قرارداد بازپرداخت و بدون هیچگونه توضیحی از ناحیه شرکت گاز، نیز موید عدم حسن نیت وی نسبت به آن قرارداد است.

۵ - بدینترتیب، چون خواهان، آی اس سی علی الظاهر ثابت کرد که شرکت گاز تعهد حسن نیت خود تحت قرارداد بازپرداخت را نقض نموده، وظیفه شرکت گاز بود که در رد این دلیل، مدارک معارضی ارائه دهد. قصور شرکت گاز حتی در اقدام به اینکار، باید رهنمون دیوان در پذیرش ادعای آی اس سی می‌گردید.

دو

۶ - حکم ابتدا در نتیجه درک نادرست از ماهیت دقیق تعهد حسن نیت شرکت گاز و تعبیر غلط از "پروژه کالینگاز" بصورتی که شرکت گاز و آی اس سی در موقع تنظیم قرارداد بازپرداخت استنباط می‌کردند، دچار گمراهی می‌شود.

۷ - در اظهار نظر راجع به بند ۲۰۵ اصلاحیه (دوم) قراردادهاء، تعریف کلی از وظیفه حسن نیت ارائه شده است:

عبارت "حسن نیت" در زمینه‌های مختلف به کار رفته و معنای آن به تناسب متن متفاوت است. مفهوم اجرای یک قرارداد توأم با حسن نیت، تاکید بر وفاداری به هدف مشترک و مورد توافق و هماهنگی با انتظارات موجه طرف دیگر است.

اصلاحیه (دوم) قراردادها بند ۲۰۵، اظهارنظر الف (خط تاکید اضافه شد). در اصلاحیه مزبور به طور اخص اشعار شده که:

هرگاه وظیفه یک طرف منوط به وقوع شرطی باشد، وظیفه دیگری که از لحاظ حسن نیت و رفتار منصفانه برعهده وی قرار می‌گیرد ... می‌تواند مستلزم قدری همکاری از جانب وی باشد، یا به صورت خودداری از اعمال مانع وقوع آن شرط و یا انجام اقدامات موثر برای تحقق وقوع آن .

اصلاحیه (دوم) قراردادها بند ۲۴۵، اظهارنظر الف (خط تاکید اضافه شد). مفسران این رشته پیوسته از این نظر پیروی کرده‌اند. به عنوان مثال رجوع شود به : E.A. Farnsworth, Contracts 565-69 (1982) (وظیفه حسن نیت که آن را وظیفه اعمال "حداکثر کوشش" نیز نامیده‌اند، طرف را ملزم می‌کند برای وقوع شرطی اقدامات موثر معمول دارد).

۸ - لیکن حکم مفهوم بیقاعده خود را از حسن نیت اعمال کرده، و عمل شرکت گاز را با ضابطه بسیار پایین‌تری می‌سنجد. به اعتقاد من همانطور که تحلیل زیر روشن خواهد کرد، به هیچوجه نمی‌توان بدرستی گفت که شرکت گاز به انتظاراتی که هنگام امضای قرارداد بازپرداخت بین این شرکت و آی اس سی در مورد پروژه کالینگاز به وجود آمده بود، وفادار مانده و هماهنگ با آنها عمل کرده است. مسلماً تغییر موضع شرکت گاز در ۱۹۷۹ نسبت به شرایط مالی طرح کالینگاز ژاپن، بازتابی از "حداکثر کوشش" برای تعقیب پروژه کالینگاز پیشنهادی کالینگاز ژاپن نبود.

۹ - اشتباه اساسی حکم در عدم کاربرد ضابطه صحیحی برای حسن نیت، در نتیجه قصور حکم در توصیف "پروژه کالینگاز" به صورتی که آی اس سی و شرکت گاز استنباط کرده بودند، دو چندان شده است. حکم می‌گوید:

دیوان ابتدا باید موضع شرکت گاز را در سوم اردیبهشت ۱۳۱۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] که شرکت گاز و آی اس سی قرارداد بازپرداخت را منعقد کردند، بررسی نماید. برای دیوان محرز است که در آن زمان شرکت گاز قصد داشت پروژه کالینگاز را آغاز کند و کلیه طرفین انتظار داشتند که پروژه با موفقیت روبرو شود ولی نکته حیاتی این است که آیا شرکت گاز بعداً تعهد خود را در تعقیب توافقی با حسن نیت پروژه نقض کرد یا خیر.

۱۰ - گر چه توجه اصلی حکم بدرستی به بررسی مواضع و استنباط شرکت گاز و آی اس سی در موقع امضای قرارداد بازپرداخت متمرکز است، این نتیجه‌گیری که "هنگامی که شرکت گاز قصد داشت پروژه کالینگاز را آغاز کند، کلیه اطراف انتظار موفقیت آنرا داشتند" دقیقاً نادیده گرفتن این سؤال است که "پروژه کالینگاز" بصورتی که طرفین استنباط می‌کردند، اصولاً چه بود. دیوان هرگز این سؤال را مطرح نکرده و لاجرم بدان نپرداخته است.

۱۱ - پروژه کالینگاز آنطور که در سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] مورد استنباط شرکت کنندگان در آن بود، قسمتی در قرارداد مشارکت منعقد در ۱۹۷۲ و قسمتی در جریان مناسبات و معاملات بین شرکت کنندگان از سال ۱۹۷۲ به بعد، که طرفین براساس آن درک جدیدی از برخی از شروط تأمین سرمایه (حداقل در مورد پروژه پیشنهادی کالینگاز ژاپن)، حاصل کردند، تشریح شده است.

۱۲ - همچنانکه در حکم خاطرنشان شده، قرارداد مشارکت حاوی "تفاهات اولیه طرفین" در مورد کالینگاز از جمله ترتیبات تأمین سرمایه آن بود. در وهله اول در قرارداد مقرر شده که شرکت کنندگان طرف دوم یعنی آی اس سی و سایر واحدهای غیر ایرانی قرار بود "طبق شروط و مفاد قابل قبول برای هر دو طرف ... کلیه سرمایه لازم برای اجرای پروژه، از جمله و بدون قید محدودیت سهم الشرکه طرف اول (شرکت گاز) و طرف دوم را در سهام سرمایه شرکت مشترک" فراهم کنند. بدینترتیب از ابتدای معاملات طرفین روشن بود که شرکت کنندگان طرف دوم مسئول تأمین تمامی سرمایه کالینگاز بودند.

۱۳ - ولی قرارداد مشارکت مضافاً مقرر می‌داشت که هر وام یا اعتباری که به کالینگاز داده شود، باید با قراردادهای خرید و فروش گاز طبیعی مایع و از محل عواید گاز طبیعی مایع تضمین شده باشد، با این تفاهم که طرفین ملزم به دادن تضمین نباشند" (خط تاکید اضافه شد). در حکم اشتباهها نتیجه‌گیری شده که این شرط مانع الزام دولت ایران (که "طرف" قرارداد مشارکت نبود) به دادن تضمین بوده است. بدینترتیب برخلاف این نظر حکم، پیشنهادهای بعدی کالینگاز ژاپن که خواستار چنین تضمینی بود، با قرارداد مشارکت مغایرتی نداشت. اشتباه حکم در این مورد منتج از این فرض غلط در تمامی تحلیل آن است که هر نوع مخالفت شرکت گاز با شرط تضمین دولت ایران می‌بایست موجه بوده باشد، زیرا چنین شرطی با قرارداد مشارکت مغایرت می‌داشت.

۱۴ - مناسبات بعدی طرفین نشانگر آن است که بین آی اس سی و شرکت گاز در مورد حدود پروژه کالینگاز بتدریج تفاهماتی به وجود آمد. در گزارش مورخ ژانویه ۱۹۷۷ مشاورین مالی به هیئت مدیره آن، از جمله اشعار شده که هر سهامدار (از جمله شرکت گاز) باید سهم الشرکه‌ای بپردازد (برخلاف مفاد قرارداد مشارکت) و ایران باید راجع به "مخاطرات سیاسی" تضمین‌هایی بدهد و از جمله اینکه تعهد پرداخت اصل و فرع وام را در صورتیکه تحویل گاز طبیعی مایع قطع شود، قبول کند. گر چه نه اینگونه تضمینها و نه ضمانت پرداخت اصل و فرع وام از طرف ایران مغایر با قرارداد مشارکت نمی‌بود، مع هذا شرکت گاز در فوریه ۱۹۷۷ اظهار داشت که "حاضر به موافقت با تغییر اسناد اساسی" نبوده و شقوق دیگر که دولت حاکمی را ملزم به دادن تضمین کند، قابل قبول نیست. آقای مصدقی رئیس هیئت مدیره شرکت گاز تاکید کرد که چنانچه تا پایان آوریل ۱۹۷۷ طرف دوم راه‌حل مناسبی برای ادامه پروژه ارائه ندهد در آنصورت اخطار خواهد داد که "دلایل و اسباب واقعی فسخ قرارداد مشارکت" وجود دارد.

۱۵ - لیکن در اواخر آوریل ۱۹۷۷ قراینی وجود داشت مبنی بر اینکه موضع شرکت گاز در مورد تأمین سرمایه در حال تغییر بود. در نامه‌ای که شرکت کنندگان طرف دوم در تاریخ

نهم اردیبهشت ۱۳۵۶ [۱۹ آوریل ۱۹۷۷]، یعنی اندکی قبل از پایان مهلت مورد اشاره آقای مصدقی، به شرکت گاز نوشتند توضیح داده شده که سهامداران طرف دوم متعهد به شروع پروژه کالینگاز هستند و اینکه اینک دو پیشنهاد قابل اجرا در چارچوب کالینگاز وجود دارد: یکی پیشنهاد کریناویس برای ایجاد تاسیسات دریا پایه مایع کردن گاز و دیگری پیشنهاد کالینگاز ژاپن برای ایجاد تاسیسات زمین پایه. در نامه مزبور راجع به پیشنهاد کریناویس تاکید شده بود که تضمین دولت ایران نسبت به تأمین گاز طبیعی ضرورت دارد. نامه مزبور در اشاره به پیشنهاد تاسیسات زمین پایه کالینگاز ژاپن، در جمله‌ای که در حکم نقل نشده اشعار گردیده که: "تأمین سرمایه برای اجرای پیشنهاد کالینگاز ژاپن به همان صورتی که مشاورین مالی کالینگاز قبلاً گزارش کرده‌اند باقی خواهد بود" (یعنی مشارکت شرکت گاز در سرمایه و تضمین دولت ایران ضرورت دارد).

۱۶ - هیئت مدیره کالینگاز در جلسه‌ای که در دهم و یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۶ [۳۰ آوریل و اول مه ۱۹۷۷] تشکیل گردید، (پیشنهاد کریناویس) را در اصول به عنوان پروژه‌ای که با اهداف قرارداد مشارکت مطابقت داشت، مورد قبول قرارداد. هیئت مدیره همچنین تصمیم گرفت که پیشنهاد کالینگاز ژاپن نیز باید همزمان با آن اجرا شود. آقای مصدقی از طرف شرکت گاز، بدون اعتراض یا اظهار نظری صورتجلسه مربوط به این نکات را امضاء کرد.

۱۷ - سپس در جلسه هیئت مدیره منعقد در چهارم تیر ۱۳۵۶ [۲۵ ژوئن ۱۹۷۷] وضع پیشنهاد کالینگاز ژاپن مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در صورتجلسه آن نشست که باز به امضای آقای مصدقی رسیده، اشعار گردیده که پیشنهاد کالینگاز ژاپن برای کلیه شرکت کنندگان توزیع گردید. در ادامه صورتجلسه گزارش شده که ظاهراً در پاسخ به این پیشنهاد دکتر ابوسعیدی نماینده دیگر شرکت گاز "اظهار داشت که آقای مصدقی گفته است که درصد بهره و درصد سرمایه در طرح تأمین سرمایه باید حتی‌الامکان کاهش یابد" (خط تأکید اضافه شد). این صورتجلسات برای اولین بار صریحاً نشان می‌دهند که شرکت گاز آماده بود تأمین مبلغی سهم الشرکه در پروژه کالینگاز ژاپن را بررسی کند، و ایراد آن به مبلغ آن بود،

نه به اصل موضوع مشارکت در سرمایه. اینکه در این صورتجلسات به پیشنهاد تضمین دولت ایران اشاره‌ای نشده، نشانه این است که این نیز مورد قبول بوده است.

۱۸ - عدم اعتراض شرکت گاز به این شروط در نامه‌ای که کالینگاز ژاپن در اول آذر ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] به شرکت گاز ارسال و در آن ایجاد تفاهماتی بین طرفین را بررسی کرده، تأیید می‌شود (۳). در این نامه اشعار شده که طی مذاکرات طرفین

"شرکت گاز نظر خود را بیان کرد که نرخ بهره سهم شرکت بسیار بالا و برنامه بازپرداخت نامناسب است، و تا دهم شهریور ۱۳۵۶ [اول سپتامبر ۱۹۷۷] شرایط بهتری برای تأمین سرمایه باید ارائه شود. لیکن شرکت گاز به اصل اساسی فوق یعنی تأمین سهم شرکت و تضمین دولت اعتراضی نداشت."

(خط تأکید اضافه شد). در نامه همچنین اشعار شده که

در ۲۵ و ۳۱ مرداد ۱۳۵۶ [۱۶ و ۲۲ اوت ۱۹۷۷] شرکت گاز و کالینگاز ژاپن ملاقات کردند و درباره طرح تأمین سرمایه پیشنهادی مذاکرات بیشتری به عمل آوردند. در این جلسات شرکت گاز موضع خود را تکرار کرد که میزان سرمایه‌ای که سهامداران باید تأمین کنند باید کمتر شود و بیشتر از آنچه که برای فعالیتهای اداری کالینگاز طی سالهای اول بهره‌برداری لازم است نباشد. اما شرکت گاز هیچگاه به اصول اساسی تأمین سهم شرکت و تضمین دولت اعتراض نکرد.

(خط تأکید اضافه شد).

۱۹ - در نهم شهریور ۱۳۵۶ [۳۱ اوت ۱۹۷۸] پیرو مذاکرات طرفین به شرح فوق،

(۳) این نامه در پاسخ اظهار فسخ مورخ ۱۵ آبان ۱۳۵۸ [ششم نوامبر ۱۹۷۹] شرکت گاز ارسال شده بود. شرکت گاز در آن زمان پاسخ نداده و به نظرات مندرج در نامه اعتراض نکرد و دلیلی هم در رد خلاصه وقایع مندرج در نامه ارائه نداده است.

کالینگاز ژاپن پیشنهاد مفصلی تسلیم کرد که در آن طرح وی برای تأمین سرمایه پروژه تاسیسات زمین پایه به روشنی بیان شده بود. از کل مبلغ سرمایه‌گذاری، ۲۰٪ آن به صورت سرمایه نقدی و ۸۰ درصد بقیه از طریق وام خواهد بود. قرار بود شرکت گاز و کالینگاز ژاپن (یا کالینگاز ژاپن و سایر شرکت کنندگان طرف دوم) متساویاً در سرمایه سهم باشند. در شروط وام قید شده بود که ۵۰٪ آن به صورت اعتبار صادراتی با تضمین دولت ایران و مابقی وامی از طرف کالینگاز ژاپن و سایر شرکت کنندگان طرف دوم باشد.

۲۰ - تا اول آبان‌ماه ۱۳۵۶ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۷] که جلسه دیگر سهامداران تشکیل شد مذاکراتی بین طرفین صورت گرفت. صورتجلسه این نشست حاکی از این است که «تفاهمنامه‌ای» که درست یک روز قبل مورد قبول شرکت کنندگان طرف دوم قرار گرفته بود به هیأت مدیره ارائه شد. در تفاهمنامه ذکر شده بود که در چارچوب کالینگاز چندین پروژه امکان دارد و احتمال می‌رود که کلیه اعضای طرف دوم نخواهند به شرکت در هر یک از پروژه‌ها ادامه دهند. در تفاهمنامه همچنین مقرر شده که اعضای که شرکت نمی‌کنند ممکن است توافق کنند که از حقوق خود در پروژه‌هایی که در آنها شرکت نکرده‌اند اعراض نمایند به استثنای حقوق خود نسبت به بازپرداخت پیش پرداختهای خود «از هر یک یا تمامی پروژه‌های گاز طبیعی مایع».

۲۱ - در صورتجلسه نشست سهامداران ضبط است که آقای مصدقی در پاسخ این پیشنهاد اظهار داشت «شرکت گاز متعهد است پیش پرداختهایی که طرف دوم فقط در چارچوب قرارداد مشارکت بعمل آورده است را بازپرداخت نماید» و اضافه کرد که «چنانچه پروژه گاز طبیعی در چارچوب قرارداد مشارکت ظرف شش ماه آغاز نشده باشد، شرکت گاز طبق قرارداد مشارکت تعهدی برای بازپرداخت وجوه ندارد». نامبرده در خاتمه تأکید کرد که «قرارداد مشارکت ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ اطلاعیه مزبور به سهامداران طرف دوم فسخ خواهد شد مگر آنکه سهامداران طرف دوم ظرف مهلت شش ماهه مزبور یک پروژه گاز طبیعی ثابتی را آغاز کرده باشند». (خط تأکید اضافه شد).

۲۲ - این صورتجلسه نشان می‌دهد که شرکت گاز، حتی با اینکه پیشنهاد تأمین سرمایه پروژه گاز طبیعی زمین پایه کالینگاز ژاپن را از مدتی پیشتر در اختیار داشت، مخالفت خاصی با هیچیک از شرایط تأمین سرمایه نداشت. این واقعیت چشمگیر در (بند ۹۸) حکم ذکر شده ولی معیناً حکم در نتیجه‌گیری خود می‌گوید "دیوان این استنباط را عقلایی می‌داند که شرکت گاز با صدور اخطار فسخ به طرف دوم در روز بعد، هر چند که اشاره صریحی به پیشنهاد تأمین سرمایه کالینگاز در آن شده، پیشنهاد کالینگاز ژاپن، از جمله شروط مربوط به تأمین مالی آن را رد کرده بود". من با این استنباط بی‌دلیل موافق نیستم. صورتجلسه حاکی است که آقای مصدقی پس از شنیدن خبر تفاهمنامه میان شرکت کنندگان طرف دوم بلافاصله اعتراض کرد. باز بطوریکه در صورتجلسه به روشنی تصریح شده، امکان تجدید سازمان در نقش شرکت کنندگان طرف دوم در کالینگاز بود که موجب نگرانی شرکت گاز در مورد حدود و به موقع بودن پروژه گردید. در هیچ جا اشاره‌ای به نگرانی در مورد شروط اساسی تأمین سرمایه وجود ندارد. بنابراین من این نتیجه‌گیری را به مراتب منطقی‌تر می‌دانم که اخطارهای مربوط به ادامه "در چارچوب قرارداد مشارکت" و آغاز "یک پروژه ثابت گاز طبیعی مایع ظرف مهلت شش ماهه مزبور" عکس‌العمل نسبت به تجدید سازمان بود نه به جزئیات تأمین سرمایه طرح کالینگاز ژاپن.

۲۳ - روز بعد یعنی روز دوم آبان ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷]، شرکت گاز به شرکت کنندگان طرف دوم رسماً اخطار فسخ شش ماهه داد و ضمن نقل برخی از مفاد قرارداد مشارکت اشعار داشت که "بررسی مفاد قرارداد (مشارکت) و توجه به آنچه که از زمان امضای قرارداد روی داده، موارد روشنی را نشان می‌دهد که طرف دوم قرارداد را نقض کرده است". در اینجا نیز ایراد خاصی وجود نداشت. اخطار فسخ توسط آقای مصدقی امضا شده بود.

۲۴ - کالینگاز ژاپن طی نامه مورخ ۲۳ آبان ۱۳۵۶ [۱۴ نوامبر ۱۹۷۷] به این اخطار اعتراض کرد. همانگونه که در حکم ذکر شده، شرکت گاز در پاسخ مورخ پنجم آذر ۱۳۵۶

[۲۶ نوامبر ۱۹۷۷] خود "خاطرنشان کرد که شرکت کنندگان طرف دوم مشترکا" در برابر شرکت گاز مسئول ایفای تعهدات موضوع قرارداد مشارکت می‌باشند. آنچه حائز اهمیت است این است که در این نامه ذکری از اعتراض به تأمین سرمایه پیشنهادی کالینگاز ژاپن در مورد پروژه زمین پایه نشده، بلکه شرکت گاز نامه خود را با اشاره به این مطلب پایان داد که:

اما روش و کوششهای شما برای اجرای پروژه پیشنهادی گاز طبیعی مایع زمین پایه، خارج از محدوده فعالیتهای اعضای طرف دوم و مستقل از آنها مورد قبول ماست ولی چون این پروژه هنوز به مرحله تحقق نرسیده، در این مرحله مشکل می‌توان قضاوتی درباره آن کرد. ولی انتظار داریم که شما برای تحقق این پروژه طبق برنامه مقرر و حداکثر قبل از انقضای تاریخ اخطار مذکور، اقدامات مقتضی به عمل آورید.

گرچه این نامه، قضاوت راجع به پیشنهاد کالینگاز ژاپن را محفوظ داشته، فحوائ آن ترغیب طرف دیگر به رعایت مهلت جدید شش ماهه است و نه پیشنهاد تغییر پیشنهاد.

۲۵ - در تاریخ پنجم دیماه ۱۳۵۶ [۲۶ دسامبر ۱۹۷۷]، کالینگاز ژاپن آخرین پیشنهاد خود درباره تأمین سرمایه و خلاصه پروژه را برای سایر شرکت کنندگان طرف دوم و نسخه‌ای از آنها را برای شرکت گاز ارسال داشت (۴). پیشنهاد حاوی همان شروط اساسی تأمین سرمایه مندرج در پیشنهاد ارسالی به شرکت گاز در نهم شهریور ۱۳۵۶ [۳۱ اوت ۱۹۷۷] بود. در نامه اشعار شده بود که "پروژه اینک وارد مرحله‌ای می‌شود که لازم است اقدامات مربوط به ترتیبات تأمین سرمایه به مرحله عمل

(۴) در نامه مورخ اول آذر ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] به شرکت گاز اشعار گردیده که این خلاصه پروژه "پس از مشورت با شرکت گاز" برای "تسهیل در پروژه پیشنهادی زمین پایه" برای تک تک اعضای طرف دوم ارسال گردید.

درآید" و درخواست شده بود که اعضای طرف دوم ظرف ۳۰ روز اطلاع دهند که آیا مایلند به شرکت در پروژه ادامه دهند یا خیر. مدارک نشان می‌دهد که شرکت گاز کاملاً در جریان اقدامات طرف دوم بوده و می‌دانست که کالینگاز ژاپن کماکان درصدد بود کار تأمین سرمایه را که مستلزم سهم الشرکه شرکت گاز و تضمین دولت ایران بود آغاز کند. ولی در این مرحله هم هیچ اعتراضی از ناحیه شرکت گاز به طرح تأمین سرمایه یا تحولات اخیر به عمل نیامد.

۲۶ - شهادتنامه آقای بارولازا که از طرف شیکاگو بریج اند ایرن (سی بی آی)، یکی از شرکت کنندگان طرف دوم، عمل می‌کرد کلیه این شواهد را تأیید می‌کند. وی در شهادتنامه خود اظهار داشته که آخرین پیشنهاد کالینگاز به شرکت گاز

بین کالینگاز ژاپن و شرکت گاز مورد مذاکره قرار گرفته و شامل همه جنبه‌های پروژه بود. در مورد تأمین مالی در پیشنهاد مزبور مقرر شده بود که سهامداران کالینگاز (از جمله شرکت گاز) متناسباً ۲۰ درصد هزینه پروژه را به صورت سرمایه در کالینگاز و ۸۰ درصد آن را به شکل وام های پروژه تأمین کنند. کالینگاز ژاپن ترتیبی داده بود که وامهای پروژه به وسیله شرکت ملی گاز از طریق اگزیم بانک ژاپن تأمین شود که فقط مستلزم [ارائه] تضمین وامها از سوی دولت ایران بود.

۲۷ - کالینگاز ژاپن و شرکت گاز درباره اجرای پروژه زمین پایه به مذاکرات خود ادامه دادند. شرکای طرف دوم، غیر از سی بی آی که می‌خواست تا ۲/۵ درصد در منافع سرمایه سهم باشد، ترجیح دادند در ادامه پروژه شرکت نکنند.

۲۸ - نهایتاً در ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] یعنی تقریباً یکماه قبل از آنکه آی اس سی و شرکت گاز قرارداد بازپرداخت را امضا کنند، شرکت گاز طی نامه‌ای به کالینگاز ژاپن صریحاً "برنامه اصلاحی اجرای مشترک" پروژه کالینگاز ژاپن را پذیرفت و در همان نامه همچنین موافقت کرد که:

اقدام به استناد به مفاد ماده ۱۳ قرارداد مشارکت (درباره فسخ در صورت نقض) علیه کالینگاز ژاپن نخواهد کرد، مشروط بر آنکه پروژه زمین پایه گاز طبیعی مایع که اکنون در حال مذاکره است طبق برنامه پیوست به موقع اجرا شود.

(خط تاکید اضافه شد). شرکت گاز همچنین اشعار داشت که:

از هنگام و زمانی که سهامداران طرف دوم که در پروژه ژاپن شرکت نکنند، دیگر در کالینگاز سهامدار نخواهند بود، شرکت گاز اقدامات لازم را برای تکمیل یا اصلاح قرارداد مشارکت به نحوی که مراتب فوق در آن رعایت شده باشد معمول خواهد داشت.

در نامه شرکت گاز همچنین از کالینگاز ژاپن درخواست شده بود که قبل از انقضای شش ماه مهلت مقرر در اخطار مورخ دوم آبانماه ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷]، قصد خود را نسبت به اجرای پروژه تأیید نماید. نامه شرکت گاز که به امضای آقای مصدقی بود چنین ختم می‌شود:

به انتظار اجرای مشترک پروژه ژاپن با همکاری شما. موجب سپاسگزاری خواهد بود چنانچه موافقت خود را با مراتب فوق اعلام فرمایید.

نسخه‌ای از برنامه مشترک اجرایی پیوست نامه مزبور بود که در آن به برنامه تصویب ترتیبات تامین سرمایه و نیز کسب موافقت "اگزیم بانک ژاپن" (که مستلزم تضمین دولت ایران بود) اشاره شده است.

۲۹ - حکم اهمیت نامه مورخ ۲۳ اسفند [۱۴ مارس] را دست کم گرفته و نظر داده که در این نامه رضایت ضمنی به مفاد پیشنهاد کالینگاز ژاپن داده نشده و اعتراض به آن پس گرفته شده است. اما حکم با دادن چنین نظری، تحولات مناسبات بین طرفین را که در فوق بررسی شد، کاملاً نادیده گرفته است. این پذیرش صریح برنامه مشترک اجرایی توسط شرکت گاز موقعی صورت گرفت که کالینگاز ژاپن مدتها طرح تامین سرمایه مبتنی بر سهم الشرکه از

ناحیه کلیه سهامداران کالینگاز (از جمله شرکت گاز) و تضمین دولت ایران را حفظ کرده بود. برنامه پیوست پذیرش نامه شرکت گاز، که در آن هم به برنامه تصویب ترتیبات مالی و هم مشخصاً به اگزیم بانک ژاین اشاره شده، موعید این دلیل است که شرکت گاز از ترتیبات مالی پیشنهادی، از جمله اعتبارات صادراتی که قرار بود اگزیم بانک ژاین ترتیب دهد و مستلزم تضمین دولت ایران بود، آگاهی داشت. معیذاً شرکت گاز هیچگاه درخواست نکرد که این طرح تامین سرمایه تغییر کند و تغییری هم صورت نگرفت. عدم وجود چنین درخواستی با شهادت آقای بارولازا در جلسه استماع و شهادتنامه وی مطابقت دارد. وی گفت آقای مصدقی اشاره کرده است که همزمان با

قبول پیشنهاد کالینگاز ژاین توسط شرکت گاز ... برنامه
مزبور (از جمله ترتیبات مالی) توسط مقامات شرکت نفت و
وزیر دارایی نیز تصویب شده بود.

این امر با شرح مندرج در نامه مورخ اول آذر ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] کالینگاز ژاین نیز
که بشرح زیر است، هماهنگی دارد

شرکت ملی گاز براساس محتوای برنامه پیشنهادی تأمین
وام از جمله ایده سهام شدن در سرمایه و ضمانت دولت
موافق بود زیرا اگر شرکت گاز مخالفتی با آن می‌داشت یا
مخالفت خود را طی نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ [۱۴
مارس ۱۹۷۸] ذکر می‌کرد یا حداقل با استرداد اخطار فسخ
خود و ادامه پروژه ژاپنی زمین پایه موافقت نمی‌کرد.

این مدرک نشان می‌دهد که طرفین در مورد شروط اساسی به تفاهم رسیده بودند و شرکت
گاز هم این موضوع را رد نکرده است.

۳۰ - در حکم همچنین نظر داده شده که نامه شرکت گاز "در حکم ابطال اخطار فسخ مورخ
دوم آبان‌ماه ۱۳۵۶ [۲۴ اکتبر ۱۹۷۷] نبود". ولی این موضوع کاملاً بی‌مورد است زیرا،
همانطور که در حکم ذکر شده، لغو رسمی آن اخطار در مورد "طرف دوم به عنوان یک

واحد گروهی"، چند روز بعد یعنی در سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] که شرکت گاز قراردادهای الحاق و باز پرداخت را با شرکای طرف دوم امضا کرد، رخ داد. نامه شرکت گاز با این جمله که "شرکت گاز برای استناد به ماده ۱۳ قرارداد مشارکت (درباره فسخ) اقدامی نخواهد کرد، مشروط بر اینکه پروژه زمین پایه کالینگاز ژاپن که اینک مورد مذاکره است اجرا شود"، قصد ابطال اخطار فسخ قبلی به کالینگاز ژاپن را اعلام کرد. این موضوع نیز حائز اهمیت است که آقای مصدقی رئیس هیئت مدیره شرکت گاز در جلسه مورخ اول آبان ماه ۱۳۵۶ [۲۳ اکتبر ۱۹۷۷] سهامداران اعلام کرده بود که قرارداد مشارکت فسخ خواهد شد مگر اینکه یک پروژه "ثابت" گاز طبیعی مایع ظرف شش ماه آغاز شود. ابطال این اخطار تلویحا به این معنی بود که شرکت گاز پروژه کالینگاز ژاپن را "ثابت" تلقی می کرد.

۳۱ - کالینگاز ژاپن در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۵۷ [۱۵ آوریل ۱۹۷۸] نامه‌ای به شرکت گاز ارسال داشت و تأکید کرد که کالینگاز ژاپن تا حدود ۴۷/۵ درصد در پروژه مشارکت خواهد کرد با این تفاهم که سی بی آی به میزان ۲/۵ درصد و شرکت گاز در مابقی ۵۰٪ شریک خواهد بود و "ژاپن تمامی سرمایه و هزینه‌های سرمایه‌گذاری پروژه غیر از دارایی خالص و وام مستقیم سی بی آی را طبق توافق متقابل تأمین خواهد کرد" (خط تأکید اضافه شد). در نامه مورخ اول آذر ۱۳۵۸ [۲۲ نوامبر ۱۹۷۹] مجدداً خاطرنشان شده که

اینکه شرکت گاز مخالفتی با این تأکید نکرد خود نیز دلیل روشن دیگری بر موافقت با اساسی محتوای طرح تأمین وام از طرف کالینگاز ژاپن و به ویژه سهم سرمایه است.

اینکه شرکت گاز به نامه تأییدیه مورخ ۱۵ آوریل کالینگاز ژاپن پاسخ نداده، باز هم دلیل دیگری است بر اینکه مناسبات و تحولات بین طرفین از ژانویه ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۸، تفاهمات تازه‌ای راجع به ماهیت پروژه کالینگاز ژاپن به وجود آورده بود.

۳۲ - تقریباً یک هفته بعد، براساس اطمینانهایی که شرکت گاز داد و در نبود اعتراضی به پیشنهاد کالینگاز ژاپن، آی اس سی موافقت کرد که علایق مالی خود در کالینگاز را پایان دهد و با شرکت گاز قرارداد باز پرداخت را امضا کرد که به موجب آن بازپرداخت مشروط به ایجاد پروژه کالینگاز شده بود. خواهان، آی اس سی، شهادت داده که اگر به وی اطمینان داده نشده بود که شرکت گاز "با کالینگاز ژاپن برای اقدام درباره پیشنهاد کالینگاز ژاپن و ایجاد پروژه کالینگاز به توافق رسیده، وی از حقوق خود در کالینگاز و از استحقاق خود به بازپرداخت به موجب قرارداد مشارکت، صرفنظر نمی کرد.

سه

۳۳ - منظور از بررسی واقعیات پیشگفته این بود که نشان داده شود که به دلیل تحولات حاصله بین ژانویه ۱۹۷۷ تا آوریل ۱۹۷۸ در مورد پیشنهاد کالینگاز ژاپن، آی اس سی و شرکت گاز در سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] چنین استنباط می کردند که شروط تامین سرمایه یعنی تامین مقدار معینی از سرمایه توسط شرکت گاز و تضمین دولت ایران در برابر صدور سرمایه ژاپن، جزیی از اساس ادامه پروژه کالینگاز شده بود.

۳۴ - حکم در مسیر نادرستی گام نهاده و به تحلیل این موضوع پرداخته که آیا شرکت گاز هنگام امضای قرارداد بازپرداخت، طرح تأمین سرمایه پیشنهادی کالینگاز ژاپن را "قبول کرده" یا نکرده بود. حکم می گوید که:

... دیوان ... این استنباط را از نامه مورخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] شرکت گاز منطقی نمی داند که آن شرکت پیشنهادهای تأمین سرمایه ای را که برخلاف موضع اعلام شده بود پذیرفته باشد. بدین ترتیب دیوان معتقد است که هنگامی که آی اس سی و شرکت گاز قرارداد بازپرداخت را منعقد کردند این موضوع فیصله نیافته باقی مانده بود.

و سپس ادامه می‌دهد که

شواهد و قرائن چندانی در دست نیست تا به دیوان نشان
دهد که شرکت گاز پیشنهادهای تأمین سرمایه کالینگاز
ژاپن را در زمانی بین آوریل ۱۹۷۸ و سپتامبر ۱۹۷۹
پذیرفته باشد.

(خط تأکید اضافه شد)

۳۵ - چنین پذیرشی مدرک قانع کننده‌ای می‌بود بر اینکه اعتراض بعدی شرکت گاز به شرایط تأمین سرمایه در سپتامبر ۱۹۷۹ مطمئناً نقض تعهد وی به داشتن حسن نیت بوده است. ولی اصولاً تکیه بر "پذیرش" فی نفسه نابجاست. در عوض تکیه باید بر این نکته باشد که آیا طرح تأمین سرمایه رد شده بود یا خیر، زیرا عدم رد است که موعید این نتیجه‌گیری می‌باشد که اعتراض بعدی شرکت گاز به شرایط تأمین سرمایه، بهانه‌ای بود برای تصمیم یکجانبه وی به ترک پروژه به دلایل دیگر. در واقع خود همین واقعیت که، طبق تشریح حکم، "این موضوع فیصله نیافته باقی ماند" به این معنی است که موضوع در آن زمان در محدوده یک توافق احتمالی (که هنوز منعقد نشده بود) قرار داشت. مدارک به روشنی نشان می‌دهد که شروط اساسی تأمین سرمایه به ویژه در مورد مشارکت در سرمایه و تضمین، در موقع امضای قرارداد بازپرداخت، دیگر مورد اختلاف نبود و این شروط جزئی از زمینه کلی بود که طرفین براساس آن به پروژه کالینگاز نزدیک می‌شدند. بنابراین، "عقب‌گرد" بعدی شرکت گاز در سپتامبر ۱۹۷۹ چیزی غیر از کوشش برای گریز از تعهد خود به موجب قرارداد بازپرداخت در برابر آی اس سی و نقض تعهد حسن نیت خود نبود.

۳۶ - تحولاتی که بعد از سوم اردیبهشت ۱۳۵۷ [۲۳ آوریل ۱۹۷۸] در روابط طرفین به وجود آمد موعید این نظر است. کالینگاز ژاپن و شرکت گاز در ژوئن ۱۹۷۸ قراردادهای مختلفی برای احداث، مهندسی و خرید گاز طبیعی مایع که برای آغاز پروژه کالینگاز ژاپن ضروری بود تهیه و امضا کردند. در ۲۶ مهر ۱۳۵۷ [۱۸ اکتبر ۱۹۷۸] آقای مصدقی از

شرکت گاز نامه‌ای به کریناویس نوشت و ۱۰٪ سهم در شرکت جدیدی که قرار بود تشکیل شود در مقابل انتقال سهامی که کریناویس هنوز در کالینگاز داشت به وی پیشنهاد کرد. ظاهراً پیشنهاد مزبور به این منظور بود که با بیرون رفتن کریناویس، که هنوز شرکت کننده طرف دوم بود، از پروژه کالینگاز، اجرای پروژه کالینگاز ژاپن تسهیل شود. بالاخره در دسامبر ۱۹۷۸، کالینگاز ژاپن و شرکت گاز در تهران ملاقات و مشترکاً قرارداد سهامداران را تهیه کردند که حاکم بر روابط جدید بین آنها باشد. این قرارداد حاوی همان الزامات مشارکت شرکت گاز در سرمایه و تضمین دولت ایران بود که کالینگاز ژاپن در کلیه پیشنهادهای تأمین سرمایه خود حفظ کرده بود. این قرارداد آخرین شاهد نیت طرفین قبل از پیروزی انقلاب ایران بود.

۳۷ - لیکن حکم در تاکید نابجای خود به مفهوم "قبول" اصرار دارد و می‌گوید که پیشنهاد تأمین سرمایه کالینگاز ژاپن در واقع بین آوریل ۱۹۷۸ و سپتامبر ۱۹۷۹ فی‌نفسه مورد قبول واقع نشده بود. حکم می‌گوید که "اگر موافقتنامه سهامداران امضاء شده بود، بدون تردید جایگزین مفاد قرارداد مشارکت می‌شد که دفاع شرکت گاز بر آن مبتنی است" و در عین حال می‌پذیرد که عدم امضای موافقتنامه سهامداران تا حدودی معلول رویدادهای انقلاب ایران و تا حدی ناشی از این واقعیت بود که کریناویس در کالینگاز به عنوان یک شرکت کننده طرف دوم و در نتیجه در پروژه کالینگاز ژاپن باقی ماند. قابل توضیح نیست که چرا حکم برای موافقتنامه سهامداران به عنوان مدرکی که نشان می‌دهد شروط اساسی تأمین سرمایه، از جمله مشارکت در سرمایه و تضمین دولت، به عنوان موضوع مورد اختلاف کالینگاز ژاپن و شرکت گاز از میان رفته بود، اهمیتی قائل نمی‌شود، در عوض حکم فقط این واقعیت را نتیجه‌گیری می‌کند که بدیهی است یعنی اینکه "قبل از جلسه با کالینگاز ژاپن در سپتامبر ۱۹۷۹ تأمین سرمایه قطعیت نیافته بود (خط تاکید اضافه شد).

۳۸ - اینکه کالینگاز ژاپن و شرکت گاز مشترکاً پیشنهاد موافقتنامه سهامداران را تنظیم کردند باز هم موعید این است که طرح تأمین سرمایه کالینگاز ژاپن هنگام امضای قرارداد

بازپرداخت، مبنای تامین سرمایه پروژه کالینگاز تلقی می‌شد و تا زمانی که آشوبهای انقلابی نقشه‌های طرفین را مختل نکرده بود مبنای تامین سرمایه پروژه باقی بود. اگر شرکت گاز اعتراضی به چنین شروط اساسی می‌داشت، این شروط در موافقتنامه سهامداران در آن مراحل آخر مذاکره یعنی ماهها بعد از نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] شرکت گاز منظور نمی‌شد. علاوه بر آن، شرکت گاز هیچ مدرکی دال بر اینکه به این شروط اعتراض یا سعی کرده در فاصله زمانی از ۲۳ اسفند ۱۳۵۶، که قصد خود به ابطال ابلاغ فسخ را اعلام کرد، تا زمان تغییر موضع خود در سپتامبر ۱۹۷۹، درباره آنها مجدداً مذاکره کند.

چهار

۳۹ - با توجه به تمام مدارک، تردیدی وجود ندارد که شرکت گاز با اعتراض به شروط تامین سرمایه کالینگاز ژاپن در جلسه مورخ هفتم مهر ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹]، که پس از وقفه طولانی در بحث مربوط آینده پروژه تشکیل شده بود، تعهد حسن نیت خود را نقض کرده است. آقای مصدقی در این زمان ایران را ترک کرده بود و آقای اعتماد مدیر جدید و مسئول طرح ریزی، نمایندگی شرکت گاز را برعهده داشت. کالینگاز ژاپن طی نامه مورخ هشتم آذر ۱۳۵۸ [۲۹ نوامبر ۱۹۷۹] به سی بی آی، رویدادهای این جلسه را بررسی کرد. گزارش شده که آقای اعتماد رئیس "موضع شرکت گاز و سیاست دولت انقلابی" ایران را به شرح زیر خلاصه کرد.

الف - قبل از هرچیز، منابع طبیعی کشور باید برای استفاده کشور حفظ شود.

.....

ب - پس از بررسی قراردادهای کالینگاز، شرکت گاز هنوز هم معتقد است که طرف دوم تعهدات خود تحت قرارداد مشارکت را از لحاظ ترتیبات مالی ایفا نکرده

است (بدون سهم سرمایه و تضمین وام و ترتیبات
بازاریابی (۷-۴ میلیون تن)

(خط تاکید اضافه شد.)

۴۰ - هم اظهارات مربوط به سیاست (دولت) درباره منابع طبیعی و هم ایراد به ترتیبات مالی، با موضع شرکت گاز قبل از انقلاب تناقض دارد (۵). حکم ضمن نقل این قسمت از نامه کالینگاز ژاپن، اشاره به بخش دیگر همان نامه نمی‌کند که می‌گوید هنگامی که نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] شرکت گاز به امضای آقای مصدقی به آقای اعتماد ارائه شد و شرکت گاز در آن نامه اظهار داشته بود که برای استناد به ماده ۱۳ قرارداد مشارکت در مورد کالینگاز ژاپن اقدامی نخواهد شد مشروط بر اینکه پروژه زمین پایه طبق برنامه مشترک اجرایی اجرا شود، وی پاسخ داد که "هرگز نامه مزبور را ندیده ... و دولت نمی‌بایست به آقای مصدقی اجازه قبول چنین پیشنهادی را می‌داد" (خط تاکید اضافه شد). همچنین گزارش شده که آقای اعتماد

در تمام مدت جلسه موضع اصلی خود را تغییر نداد (ولی)
در آخرین لحظه اذعان نمود که چنانچه سیاست دولت تغییر
کند شرکت گاز می‌تواند به نحوی موضوع را با دولت مطرح
کند.

۴۱ - تغییر اساسی سیاست ملی ایران در مورد منابع هیدرو کربن کشور تأییدی است بر اینکه اعتراض ناگهانی شرکت گاز به طرح مالی، که از مدتها قبل پیش بینی آن شده بود، بهانه بوده است. در حکم به این نکته توجه کافی نشده است. قابل توجه این که شرکت گاز هیچ مدرکی در رد اظهارات آقای اعتماد مبنی بر اینکه منابع طبیعی ایران باید برای استفاده کشور حفظ شود، ارائه نداده است. شهادت خواهان، آی اس سی، در جلسه

(۵) به علاوه، این اظهار که طبق قرارداد مشارکت، "تضمین" مجاز نیست، اشتباه (بنگرید به بند ۱۳ فوق) و خود به منزله مدرک سوء نیت است.

استماع محرز کرد که در آن زمان این باور برای وی ایجاد شده بود که پروژه کالینگاز به هر تقدیر و تعبیر فسخ شده بود. این نظر در شهادتنامه دانکن جی کلارک مدیر گروه پتروکانسلتنس، اس.آء، بزرگترین مؤسسه گزارشگر و مشاور فعالیتهای بین‌المللی اکتشاف و تولید هیدروکربن، تأیید می‌شود. نامبرده با نقل چندین قرارداد همکاری بین شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای عمده نفتی اظهار می‌دارد:

بعد از انقلاب، دولت جدید ایران کلیه اینگونه قراردادها را فسخ کرد و عملیاتی را که قبلاً شرکتهای خارجی انجام می‌دادند، شرکت ملی نفت ایران و شرکتهای تابعه آن به عهده گرفتند. ملی‌گرایی شدید نسبت به منابع کشور چه در بخش خصوصی و چه در بخش عمومی در ایران منجر به آن شد که دولت در مه ۱۹۷۹ تصمیم گرفت که علایق خارجی در اینگونه قراردادها و موافقتنامه‌های موجود باید در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار گیرد.

از هنگام انقلاب، سیاست اعلام شده ایران، استفاده از گاز ایران برای مصرف داخلی بوده است نه صدور آن.

(خط تأکید اضافه شد). در گذشته، دیوان تغییر سیاست ایران را در مورد منابع طبیعی خود پذیرفته است، ص ۲۱، در زیر نویس ۸، حکم شماره ۳-۱۲۹-۳۰۹ مورخ ۱۱ تیر ۱۳۶۶ [دوم ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده سدکو، اینکوریوریتد و شرکت ملی نفت ایران، منتشره در 15 Iran-U.S. C.T.R. 23, 33 & n.12، صفحات ۲۹-۲۸ و ۵۸-۵۷ حکم شماره ۳-۵۶-۳۱۰ مورخ ۲۳ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده اموکو اینترنشنال فابینس کوریوریشن و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 15 Iran-U.S. C.T.R. 186, 207-08, 228-29، و صفحات ۵۷-۵۳ حکم شماره ۳-۷۴/۷۶/۸۱/۱۵۰-۳۱۱ مورخ ۲۳ تیر ۱۳۶۶ [۱۴ ژوئیه ۱۹۸۷] صادره در پرونده موبیل اوپل ایران اینکوریوریتد و سایرین و دولت جمهوری اسلامی ایران و سایرین، منتشره در 16 Iran-U.S. C.T.R. 3, 39-42. ولی حکم کاملاً این واقعیت را نادیده می‌گیرد که بدینترتیب پروژه کالینگاز به دلایلی خارج از چارچوب توافق طرفین و غیر مرتبط با آن معدوم شد.

۴۲ - به علاوه حکم این واقعیت را نادیده گرفته که در رد این اقرار ضمنی آقای اعتماد، هنگامی که اظهار داشت که آقای مصدقی نمی‌بایست اجازه می‌داشت مطالب موضوع نامه مورخ ۲۳ اسفند ۱۳۵۶ [۱۴ مارس ۱۹۷۸] را قبول کند، مدرکی ارائه نشده است. در عوض حکم تحلیل خود را معطوف به نکات کاملاً بی‌ارتباطی کرده و می‌گوید که:

آی اس سی یا نماینده وی در این جلسه شرکت نداشتند و از اینکه هنگام دریافت گزارش این اظهارات به آن اعتراض کرده یا حتی درخواست کرده باشد که شرکت گاز آن را تأیید کند نشانی در پرونده یافت نمی‌شود.

بدیهی است که آی اس سی در جلسه مورخ هفتم مهر ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] حاضر نبود زیرا دیگر در کالینگاز شرکت نداشت و با این باور که شرکت گاز با حسن نیت پروژه کالینگاز را تعقیب خواهد کرد حقوق خود را در قرارداد بازپرداخت رها کرده بود. به علاوه، چون آی اس سی از ماقع جلسه دو ماه بعد توسط نامه اطلاع حاصل کرد، مهم نیست که چرا فوراً به برخی اظهارات شرکت گاز اعتراض نکرد.

۴۳ - حکم همچنین خاطرنشان می‌کند که در جلسه مورخ هفتم مهر ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] نماینده شرکت گاز به کالینگاز ژاپن شش ماه فرصت داد که پیشنهاد قابل قبولی تسلیم کند، که این موضوع با اخطار کتبی فسخ مورخ ۱۵ آبان ۱۳۵۸ [ششم نوامبر ۱۹۷۹] هماهنگی دارد. آقای مرشد رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل جدید شرکت گاز در این اخطار اشعار داشته بود:

بررسی پروژه ج کی سی نشان می‌دهد که تأمین بودجه پیشنهادی برای پروژه با شروط قرارداد مشارکت ذکر شده در بالا مطابقتی ندارد و موجب نقض قرارداد می‌شود. بنابراین بدینوسیله با اظهار تأسف به موجب ماده (۲) ۱۳ قرارداد یک اخطار شش ماهه از تاریخ هفتم مهر ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] برای فسخ قرارداد به شما می‌دهیم.

لیکن نکته این است که همین اخطار بود که نقض حسن نیت شرکت گاز را تکمیل کرد زیرا اعتراض وی به طرح تامین سرمایه کالینگاز ژاین کاملاً عکس موضع قبلی وی مبنی بر پیشبرد پروژه کالینگاز براساس همان ترتیبات مالی بود.

۴۴ - مدرک محکوم کننده دیگری دائر بر سوء نیت شرکت گاز، کوتاهی بدون توضیح و توجیه وی در رعایت چیزی است که حکم آن را به عنوان تعهد "صریح و بدون ابهام" و غیر مشروط وی به موجب ماده ۲ قرارداد باز پرداخت راجع به "پرداخت بلافاصله و مستقیم سهم متناسب خود از وجوه مازاد ..." حاصل از فروش تجهیزات حفاری، توصیف کرده است.

با وجود این واقعیت که حکم خود نظر داده که، بدینترتیب مبلغ قابل توجه و غیر قابل انکار و انکار نشده‌ای برای مدت بیش از یکسال قبل از جلسه سرنوشت ساز مورخ هفتم مهر ۱۳۵۸ [۲۹ سپتامبر ۱۹۷۹] طلب مسلم و ناعديه نشده آی اس سی بود، شرکت گاز هیچگاه آنرا به آی اس سی نپرداخت. علاوه بر آن، شرکت گاز حتی یکبار هم عذری برای قصور خود در پرداخت آن ارائه نکرده است. شرکت گاز ... تعهد مسلمی را که به موجب ماده ۲ قرارداد بازپرداخت داشت کاملاً نادیده گرفته و نقض کرده است. حتی اگر همانطور که حکم نظر داده بپذیریم که "چنین تخلفی فی نفسه آنچنان نقض اساسی قرارداد باز پرداخت محسوب نمی‌شود که موجب لغو تمامی قرارداد شود"، ادامه نقض با موضوع حسن نیت شرکت گاز بی‌ارتباط نیست و در واقع قرینه محکمی بر عدم حسن نیت عمومی از طرف شرکت گاز می‌باشد.

۴۵ - در برابر مجموع این مدارک حاکی از سوء نیت، شرکت گاز هیچ کوششی نکرد که نشان دهد با حسن نیت عمل کرده است. بنابراین، آی اس سی می‌باید در این قسمت از ادعایش حاکم می‌شد.

بـنـج

۴۶ - چیزی که باقی می ماند بررسی مقدار خسارت است. تمرکز حکم، و در نتیجه تمرکز این نظر، بر پروژه کالینگاز، جلوه این واقعیت را تاحدودی کم می کند که استحقاق آی اس سی نسبت به بازپرداخت، الزاماً فقط با این پروژه قیاس نمیشد. در عین حال که ماده ۶ قرارداد بازپرداخت مقرر داشته که پروژه کالینگاز تنها منبع مالی برای بازپرداخت وام ۱،۹۹۲،۸۱۱/۶۷ دلاری آی اس سی به کالینگاز خواهد بود، ماده ۴ [این قرارداد] مقرر داشته که درصد وام و بهره ای که باید بازپرداخت شود، برابر درصد چهار میلیون تن متریک تولید سالانه حاصله خواهد بود. مدارک موجود در پرونده حاکی از آن است که طرفین این عبارت را به این صورت تعبیر می کردند که منظور از آن تولید حاصله از کلیه پروژه های تولیدی از میدان پارس است و نه تنها تولید حاصله از پروژه کالینگاز. ولی مدارک قانع کننده ای وجود ندارد که نشان دهد پروژه دیگری غیر از کالینگاز جامه عمل می پوشید. براساس مدارک محتمل تر، به نظر اینجانب چنین می رسد که اگر شرکت گاز با حسن نیت عمل می کرد، پروژه کالینگاز تحقق می یافت و چون تولید آن طبق برنامه ۲/۸ میلیون تن متریک در سال یا ۷۰ درصد میزان قراردادی می شد، من مبلغ ۱،۳۹۴،۹۶۸ دلار به نفع آی اس سی حکم می دادم.

لاشه، به تاریخ سوم بهمن ۱۳۶۸ برابر ۲۳ ژانویه ۱۹۹۰

Charles H. Pratt

چارلز ان براتر